

ریحانه عامل نیک | روز دوم محرم یادآور یکی از منزلگاه‌های سرنوشت‌ساز نهضت عاشوراست؛ روزی که کاروان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) پس از طی مسیرهای دشوار، به سرزمینی رسید که نام آن با رخ، بلا، شهادت و جاودانگی درهم آمیخته است.ورود امام حسین(ع) به کربلا، تنها توقفی جغرافیایی در مسیر حرکت از مکه به سوی عراق نبود، بلکه نقطه آغاز مرحله‌ای تازه از تجلی بندگی، تسلیم و فنا در اراده الهی به‌شمار می‌آید.

حجت الاسلام والمسلمین مسعود یوسفی، مدرس و کارشناس مسائل دینی در گفت‌وگویی با تبیین ابعاد معرفتی ورود امام حسین(ع) به کربلا، این واقعه را جلوه‌ای از فنا شدن در جمال الهی و ترجیح اراده خداوند بر خواست انسانی دانسته و بر این نکته تأکید می‌کند که پیام کربلا، تنها روایت یک حادثه تاریخی نیست، بلکه دعوتی همیشگی برای نجات انسان از غرقاب دنیا و رسیدن به حقیقت بندگی است. به تعبیر ایشان، انسان گاه در مسیر شناخت، به ظاهر الفاظ و صورت‌های ظاهری توجه می‌کند، اما از باطن معنا غافل می‌ماند. همین غفلت است که موجب می‌شود حقیقتی که باید راهنمای انسان در مسیر سلوک باشد، در حجاب الفاظ و ظواهر پنهان بماند. در ادامه، مشروح روضه مکتوب روز دوم محرم آمده است.



■ **توجه به ظاهر الفاظ و غفلت از باطن معنا**

در آغاز بحث باید به یک نکته اساسی توجه کرد؛ اینکه انسان در مسیر تشخیص حقیقت، گاهی گرفتار ظاهر الفاظ می‌شود. بسیاری از مفاهیم دینی و معنوی در قالب الفاظ بیان شده‌اند، اما اگر انسان تنها به همین الفاظ بسنده کند و از حقیقت نهفته در پس آن‌ها غافل بماند، در واقع از مقصد اصلی دور شده است.

از این رو در مسیر معرفت و سلوک، آنچه اهمیت دارد عبور از سطح ظاهری مفاهیم و رسیدن به باطن معناست. انسان باید بتواند از قالب‌های ظاهری عبور کند تا حقیقتی را که در پس این الفاظ قرار گرفته است دریابد.

■ **شرط فهم حقیقت در سلوک: عبور از منیت**

در این مسیر، مهم‌ترین مانع فهم حقیقت، «من» انسان است. تا زمانی که انسان گرفتار خودخواهی و تعلقات نفسانی است، حقیقت برای او آشکار نمی‌شود. وقتی انسان بتواند از خودخواهی فاصله بگیرد و تعلقات ظاهری را کنار بگذارد، آن‌گاه افق تازه‌ای از فهم برای او گشوده می‌شود. در چنین وضعیتی است که انسان می‌تواند معنای عمیق تری از زندگی و از نسبت خود با خداوند را درک کند. در واقع، سلوک معنوی با نوعی فاصله گرفتن از خود و نزدیک شدن به حقیقت آغاز می‌شود.

■ **نسبت اتکا به خویشتن و فاصله گرفتن از حقیقت**

در این نگاه، هر اندازه انسان بیشتر به توانایی‌ها و دانسته‌های خود تکیه کند، به همان اندازه ممکن است از حقیقت فاصله بگیرد. اعتماد افراطی به خویشتن گاهی انسان را در حصار دانسته‌های محدود خود گرفتار می‌کند. در مقابل، هر چه انسان خود را کنار بزند و با خلوص بیشتری به حقیقت رو آورد، راه برای فهم درست گشوده‌تر می‌شود. در اینجا مسئله، نفی علم یا دانایی نیست؛ بلکه سخن از این است که علم ظاهری اگر با تواضع و تسلیم در برابر حقیقت همراه نباشد، نمی‌تواند انسان را به مقصد برساند.

گفت‌وگو

از احیای میراث نبوی تا تقابل با تزویر اموی؛ کالبدشکافی انگیزه‌های سرخ قیام جاویدان اباعبدالله(ع) در گفت‌وگو با پژوهشگر معارف حسینی

مریم احمدی شیروان | آیا قیام حضرت مصباح‌الهدی(ع) تنها یک حادثه در دل تاریخ بود یا نقشی‌ای راهبردی برای نجات کرامت انسانی که در غبار بدعت‌ها گم شده بود؟



در این روزهای ابتدایی محرم، برای درک عمیق‌تر این حماسه بی‌تکرار به سراغ دکتر محمد حسین مردانی نوکنده، عاشورا پژوه و سردبیر فصلنامه پژوهش‌نامه معارف حسینی رفته‌ایم تا از نگاه کارشناسانه ایشان، انگیزه‌های سرخ این قیام جاویدان را بازخوانی کنیم.

در ادامه، مشروح این گفت‌وگو پیش روی شماست.

■ **احیای میراث نبوی در احتضار ارزش‌های علوی**

دکتر مردانی نوکنده در ابتدا با توصیف قیام کربلا به عنوان یک رستاخیز هویتی برای بازگرداندن جامعه‌به‌مسیر اصیل وحی بیان می‌کند: در دوران بزید که دین به مسلخ بدعت‌ها برده شده بود، امام حسین(ع) نجات‌تنها راه سعادت بشر را در گرو فداکاری آگاهانه دیدند تا حقیقت اسلام زیر سم اسبای اموی پامال نشود. ایشان با کالبدشکافی دقیق وضعیت سیاسی و فرهنگی آن عصر، بر این باورند که با علنی شدن فسق و فجور در متن جامعه، سنت‌های اصیل نبوی به حاشیه‌رانده شده و بدعت‌های دوران جاهلیت با ظاهری جدید دوباره جان گرفته بودند؛ لذا امام(ع) با درک عمیق از این انحراف تاریخی و به صدا درآوردن زنگ خطر سقوط اخلاقی، جان مبارک خود و عزیزترین کسانشان را فدا کردند تا ماتن زوال کامل دین خدا و استجاله میراث گرانبهای پیامبر اکرم(ص) در نظام استبدادی اموی شوند.

این پژوهشگر با تبیین ضرورت این حرکت خونین و اتمام حجت با امت خاطر نشان می‌کند: اباعبدالله(ع) حتی در واپسین لحظات نبرد، آرمان اصلی خود را مقابله با نفاق می‌دانستند که پوشش دین، ارزش‌های اصیل راه‌فد قرار داده بود. از این منظر، قیام عاشورا نه یک انتخاب سیاسی ساده، بلکه تنها راه باقی ماندن برای صیانت از کیان اسلام و هدایت خلق به سوی حقیقت مطلق بود(ع) امام(ع) با آگاهی

تأملی بر روضه روز دوم محرم در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود یوسفی

ورود به کربلا؛ آغاز فصل تسلیم و فداکاری



■ **تمثیل مولانا درباره علم ظاهری و حقیقت نجات**

برای روشن‌تر شدن این معنا، مولانا در مثنوی معنوی حکایتی مشهور نقل می‌کند؛ حکایت «نحوی و کشتی‌بان»، در این داستان، مردی که به علم نحو آگاه است، سوار بر کشتی می‌شود و با نوعی فخر علمی از کشتی‌بان می‌پرسد آیا علم نحو می‌داند یا نه.

کشتی‌بان پاسخ می‌دهد چنین دانشی ندارد. نحوی بانوعی تحقیر به او می‌گوید در این صورت نیمی از عمرش بر باد رفته است. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود. هنگامی که کشتی در میان دریای متلاطم گرفتار می‌شود و خطر غرق شدن پیش می‌آید، کشتی‌بان این بار از نحوی می‌پرسد: آیا شنا کردن بلدی؟

نحوی پاسخ می‌دهد که بلد نیست. در اینجا کشتی‌بان به او می‌گوید: پس تمام عمرت بر باد رفته است؛ زیرا اکنون کشتی در آستانه غرق شدن است و تو راه نجاتی نداری.

■ **تفسیر عرفانی مولانا از نجات انسان در دریای دنیا**

مولانا با این حکایت، حقیقتی عمیق را بیان می‌کند. از نگاه او، دنیا همچون دریایی مواج است که انسان در آن در معرض غرق شدن قرار دارد. دانسته‌های ظاهری، هر چند ارزشمندند، اما به تنهایی نمی‌توانند انسان را از این دریای پرخطر نجات دهند. آنچه در این مسیر نجات‌بخش است، نوعی تسلیم در برابر حقیقت الهی است. مولانا در ابیاتی مشهور می‌گوید: «آب دریا مرده را بر سر نهد / ور بود زنده در زیا کی رهد». در این تعبیر، «مرده بودن» به معنای از دست دادن تکاپوی نفسانی و تسلیم شدن در برابر اراده الهی است، انسانی که در برابر تقدیر الهی حالت تسلیم پیدا می‌کند و اراده خداوند را بر اراده خود مقدم می‌دارد، می‌تواند از غرقاب دنیا نجات پیدا کند.

■ **اصل بنیادین سلوک: محومی باید نه نحو**

مولانا در ادامه، همین معنا را در عبارتی کوتاه و عمیق بیان می‌کند: «محومی باید، نه نحو».

اساساً مقصود او این است آنچه انسان را به نجات می‌رساند، صرف دانستن قواعد و اصطلاحات فنی و علمی نیست؛ بلکه رسیدن به حالتی از «محو شدن» و فنا ی در معشوق است. محور اینجا به معنای محو شدن در برابر حقیقت الهی و کنار گذاشتن خودمحوری است. در این حالت، انسان از خود عبور می‌کند و در جمال الهی فانی می‌شود. چنین حالتی است که می‌تواند انسان را از غرق شدن در دریای دنیا نجات دهد.

■ **تجلی مفهوم محور ورود امام حسین(ع) به کربلا**

این معنا را می‌توان در واقعه ورود امام حسین(ع) به کربلا نیز مشاهده کرد. در نقل‌های تاریخی آمده آن حضرت هنگام رسیدن به این سرزمین، درباره نام آن پرس‌وجومی‌کنند. برخی آن را «غاصریه» می‌نامند، برخی «نیوا» و نام‌های دیگری نیز ذکر می‌کنند.

اما هنگامی که نام «کربلا» برده می‌شود، حالتی خاص برای حضرت پدید می‌آید. «فَلَمَّا وَصَلَهَا قَالَ مَا اسْمُ هَذِهِ الْأَرْضِ فَقِيلَ كَرْبَلَةَ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ ثُمَّ قَالَ هَذَا مَوْضِعٌ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ أَنْزَلُوا هَاهُنَا مَحَطَّ رَحَلِنَا وَمَسْفِكًا دِمَائِنَا وَهَذَا مَحَلٌّ قُبُورًا يَهْدُونَا هَذَا حَدَّثَنِي جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ؛ در روز دوم محرم به کربلا رسیدند، امام حسین(ع) پرسیدند: نام این زمین چیست؟ گفته شد: کربلا! حضرت فرمودند: خدایا پناه می‌برم به تو از آندوه و بلا. سپس فرمودند: اینجا محل آندوه و بلاست، فرودآیید. در همین جافروید، سوگندبه خدا همین جاجای پیاده شدن ما و محل ریختن خون ما و محل قبرهای ماست. سوگندبه خدا در همین جا هل بیت من به اسیری برده شوند. جدم رسول خدا(ص) (به من چنین خبر داده است». جمله‌ای تاریخی که حضرت بیان می‌کنند: «هَاهُنَا مَحَطَّ رَحَلِنَا؛ اینجا

محل فرود آمدن ماست» در تاریخ ماندگار است که نشان‌ده اراده و عزم استوار امام(ع) است.

در این صحنه می‌توان جلوه‌ای از همان مفهوم «محو شدن» را مشاهده کرد. امام حسین(ع) با آگاهی کامل از سرنوشتی که در پیش است، در برابر تقدیر الهی تسلیم می‌شوند. این تسلیم، نه از سر ناتوانی، بلکه از سر عشق و معرفت است. گویی آن حضرت در این سرزمین، دیدار با معشوق را پیش روی خود می‌بیند؛ جایی که خون مقدسشان در راه خداریخته خواهد شد و حقیقتی بزرگ در تاریخ رقم خواهد خورد.

■ **پیام معرفتی واقعه کربلا برای انسان**

روز دوم محرم و ورود امام حسین(ع) به کربلا تنها یک رخداد تاریخی نیست؛ بلکه حامل پیامی عمیق برای انسان است. در مسیر حرکت امام از مدینه تا کربلا، گفت‌وگوها، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی رخ می‌دهد که هر یک حامل راه‌هایی از سلوک و معرفت است.

در این واقعه، پرسش امام درباره نام سرزمین و شنیدن نام «کربلا»، حامل معنایی فراتر از یک گفت‌وگوی تاریخی است؛ گویی حضرت در برابر عده‌گاه مقدری قرار می‌گیرد که محل نزول امتحان، ایثار و شهادت است. از همین رو، روایت ورود به کربلا در روضه روز دوم محرم، بستری برای تأمل در مفهوم تسلیم، عبور از خویشتن و آمادگی برای فداکاری در راه حقیقت فراهم می‌کند. در واقع، همان‌گونه که حسین بن علی(ع) در مسیر خود به سوی کربلا در جمال الهی محو شدند، انسان نیز برای رهایی از غرقاب دنیا باید راهی مشابه را طی کند. اگر به مدل سؤال و جواب‌ها دقت کنیم اسلوبی در خود دارد و برای الگوبرداری مادر دنیای امروز است. نجات انسان در این است که از خود عبور کند و در حقیقت الهی محو شود؛ زیرا تنها در این صورت است که می‌تواند از دریای پرخطر دنیا عبور کرده و به ساحل نجات برسد.

۷ روایت قدس

یادداشت

حجت‌الاسلام والمسلمین هادی عجمی استاد سطوح عالی حوزه علمیه



فراتر از شاعر؛ اقامه جهاد در سایه‌سار علم حسینی و نبرد با یزیدیان زمان

تاریخ تشیع همواره بر مدار دو اصل «شور» و «شعور» چرخیده است، اما در مقاطعی خاص، این هر دو در بستری از «جهاد» به تکامل می‌رسند. محرم فراتر از یک سوگواری آیینی، رزمگاهی است که در آن، ایمان‌های درونی در قالب کنش‌های اجتماعی و سیاسی تبلور می‌یابند. در منظومه فکری قرآن کریم، اگر چه تعظیم شعائر و آبادانی بیوت‌الله از نشانه‌های بارز تقوای قلبی و ایمان راستین شمرده شده است، اما کلام وحی در مرتبه‌ای بالاتر، «جهاد در راه خدا» را به‌عنوان ترازوی نهایی فضیلت معرفی می‌کند. جهاد، آن نقطه عزیمتی است که به تمام مناسک معنوی، جهت و معنای انقلابی می‌بخشد.

امروز، جامعه ایران در محرمی متفاوت قرار دارد؛ محرمی که در آن، مرزهای میان تکیه و میدان و میان روضه و رزم برداشته شده است. ملت ایران که مدتی است در مقام یک امت مبعوث، علیه جریان‌های استکباری و یزیدیان زمانه به‌پا خاسته، نیک می‌داند هر قدم در مسیر احیای سنت حسینی، اگر با نگاه به دشمن و تقابل با اراده او باشد، عین جهاد است. این حضور مستمر و هوشمندانه در میدان‌های شهر، نشان از درک عمیق این حقیقت دارد که عزای حسینی نباید صرفاً در گذشته محصور بماند، بلکه باید به سلاخی در جنگ شناختی و رسانه‌ای امروز تبدیل شود.

در این میان، مفهوم «تفاهم‌نامه ۶۰ روزه» و مدیریت انتظار که پیش‌تر به آن پرداختیم، در این جهاد جاری معنایی مضاعف می‌یابد.

ما اکنون در دورانی هستیم که حضور در میدان مبارزه، خود به بزرگ‌ترین مجلس عزا و بزرگ‌ترین نماد تعظیم شعائر بدل شده است. امسال، نه تنها برای حسین(ع) می‌گرییم، بلکه در رکاب او، اراده‌های خود را علیه باطل صیقل می‌دهیم. این متن با نگاهی قرآنی و راهبردی، به تبیین جایگاه این عزاداری جهادگونه می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه تقوای قلبی در بستر مبارزه اجتماعی به کمال می‌رسد.

■ **تعظیم شعائر؛ تجلی تقوای قلبی در پهنه اجتماع**

از مصداق‌های تقوا و ایمان درونی و از دستورات الهی در آیه ۳۲ سوره حج، تعظیم شعائر است: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شُعَائِرَ اللَّهِ فِئَاتِهًا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست.»

شعائر الهی شامل هر چیزی است که در برنامه‌های دینی قرار دارد و انسان را به یاد خدا و عظمت آیین او می‌اندازد. تعظیم شعائر، تنها به یاد آن‌ها نیست؛ بلکه برجسته‌سازی و حفظ جایگاه اجتماعی آن‌ها و رساندن به جایگاه واقعی آن‌هاست. از مصداق‌های مهم آن در جامعه امروزی، تعظیم مجالس حسینی و عزاداری عاشوراست.

■ **نظام اولویت‌ها در قرآن؛ برتری جهاد بر مناسک فردی**

این عمل نیز بسیار والاست؛ اما بر پایه منظومه‌سازی و نظام اولویت‌ی قرآن، جهاد از آن والاتر است: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ». از دیگر مصداق‌های ایمان، تعظیم شعائر یا در همان فضا و در همان حد، ساخت و آبادانی مساجد است که قرآن آن را نشانه ایمان می‌داند: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (توبه، ۱۸). از مصداق‌های عمارت و آبادانی معنوی مساجد، برگزاری عزاداری محرم در مساجد است که موجب آبادانی مردمی و معنوی آن می‌شود.

■ **تبیین جایگاه جهاد در برابر عمارت مساجد و سقایت حجاج**
با وجود این، قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره توبه، جهاد را مرتبه‌ای فراتر می‌داند: «أَجْعَلْنُمْ سَفَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ؛ آب آبا دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همانند (کار) کسی قرار دادید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟! (این دو گروه) نزد خدا مساوی نیستند.»

■ **بعثت امت در کارزار مبارزه با یزیدیان دوران**

چندی است امت مبعوث شده مردم ایران در جهاد و مبارزه با یزیدیان دوران قیام کرده‌اند. در مکتب رهبر شهید، آنچه در مقابل دشمن باشد، جهاد است. مردم عز یزمان بیش از ۱۰۰ شب است که در تقابل و مبارزه با دشمن، در خیابان‌ها حضور دارند و برای شکست مردمی و رسانه‌ای دشمن مبعوث شده‌اند و در دل این حضور در میدان مبارزه خیابانی و شهری، امسال برنامه عزاداری محرم و شهید راه بعثت را برگزار می‌کنند.

■ **محرم تاریخی؛ پیوند عزا با میدان جهاد شناختی**

این عزاداری امسال آن‌ها نه‌تنها تعظیم شعائر و آباد کردن مساجد، که حضور در میدان جهاد و مبارزه فکری، شناختی و از سویی عملی با دشمن است. در نتیجه، به یقین امسال از تاریخی‌ترین دهه‌های عزاداری محرم در تاریخ شیعه است. اثر چنین جهادی، این خواهد بود که پرشکوه‌ترین عزاداری تاریخ را خواهیم داشت. امسال نه‌تنها از قیام امام حسین(ع) می‌شنویم، بلکه خود نیز در رکاب یاران او، در میدان جهاد و مبارزه شرکت می‌کنیم.